

محسن هاشمی در گفت و گو با «ایران» از مشی سیاسی آیت الله هاشمی می گوید

# تحقق آرمان ها بدون آسیب به مردم و انقلاب

مهرآور خوارزمی  
خبرنگار

تصویر آیت الله هاشمی رفسنجانی در ذهن اغلب ما که در حوالی انقلاب سال ۵۷ به دنیا آمدیم از همان روزهایی شکل گرفته که تلویزیون او را با خنده رویی خاص خودش نشسته در جایگاه ریاست مجلس نشان می داد.

نوجوانی مان هم در زمانه ای طی شد که هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری بود. حالا دیگر کم کم می فهمیدیم که راست و چپ یعنی چه و هاشمی با اینکه از یک تشکل روحانی راستگرا و سنتی سربرآورده بود با سیاست تعدیل اقتصادی دولتش و مواضع به تعبیر آن روزگار ساختارشکنانه گاه و بی گاهی که در مصاحبه ها و سخنرانی مطرح می کرد پایه های جریانی را می گذاشت که بعدها به راست یا اصولگرای میانه رو معروف شد. دانشجو که شدید او دولت را به چپ های اسلامی تحویل داده بود که در لباس نو دوخته اصلاح طلبی اولین و طبقه شان را نقد بی محابای هاشمی تعریف کرده بودند و برای اغلب ما آن نقدها مسبب هیجان خوشایندی بود که از طلوع دورانی جدید خبری می داد و برآورده شدن آرزوی نقد صاحبان قدرت. گرچه همه دولت مستعجل بود و در همان کتاب ها و روزنامه های منتقد هاشمی خلاصه ماند.

اردیبهشت ۹۲ شاید بسیاری از ما باور نداشتیم که چگونه به جمع دبستانگن به حضور دوباره او در جایگاه ریاست جمهوری تبدیل شده ایم و چگونه با خبرر در صلاحیتش در خود فرو رقیم. با این حال او یکی از همان معدود چهره هایی بود که توانست ما را به رفتن دوباره پای صندوق های رأی ترغیب کند و سیاستمداری دولت ساز باشد. بماند که در سال های پس از برجام بسیاری از مردم به توانایی اش در ادامه دادن گره گشایی از مسائل چند ده ساله سیاست داخلی و خارجی بیش از هر زمان دبسته بودند.

امیدواری که غروب یکشنبه ۱۹ دی ۱۳۹۵ با درگذشت آیت الله هاشمی رفسنجانی بسیاری را در بهمت و نگرانی نسبت به آینده فرو برد. حالا ۴ سال پس از آن فقدان با محسن هاشمی رئیس شورای شهر تهران از فرزندان این روزخانی مبارز تاریخ انقلاب گفت و گو می کنیم؛ در حال و هوایی که با سالگرد شهید سلیمانی از فرماندهان سپاه نزدیک به آیت الله در آیمخته است و پرسش از نسبت میان اندیشه این دو چهره اثر گذار را ناگزیر می کند.

■ **درگذشت آیت الله هاشمی رفسنجانی در زمره اتفاقاتی بود که شوک بزرگی به جامعه ایران و فضای سیاسی آن وارد کرد و پس از آن شاهد دوام باشکوه مردم با مرحوم هاشمی بودیم، اگر چه در این باره زیاد سخن گفته شده، شما دلیل آن شوک زدگی جامعه و در عین حال حضور گسترده مردم در مراسم تشییع ایشان را در چه می دانید؟**

به نظر می رسد ریش ناکهائی ایشان همانند رد صلاحیتش در سال ۱۳۹۲، یک شوک به جامعه وارد کرد و افکار عمومی نسبت به ایشان احساس مظلومیت کرد. بخشی از این واکنش هم به دلیل احساس نگرانی وعدم اطمینان مردم نسبت به آینده خودشان بود زیرا تا پیش از آن همیشه آقای هاشمی به عنوان کسی که در بزرگراه های تاریخی و سخت ترین شرایط کشور قابل تکیه است و با کمک وی انقلاب و کشور به بحران عبور می کند مطرح بود. چنان که در تابستان سال ۱۳۶۰ و غوغای ترورهای همزمان با جنگ این اتفاق افتاد، در تابستان ۱۳۶۷ هم که ما در جبهه ها بدترین شرایط را داشتیم، ایشان جنگ را به صلحی پایدار تبدیل کرد. در سال ۱۳۶۸ و با فقدان امام، همراه رهبر انقلاب شد. در سال ۱۳۷۶ در آستانه دوقطبی شدن جامعه با برگزاری انتخابات دوم خرداد ایشان اعتماد عمومی به صندوق های رأی را حفظ کرد. ایشان در سال ۱۳۹۲ نیز با وجود رد صلاحیت، شکاف سال ۱۳۸۸ را ترمیم کرد. خب چنین شخصیتی که همیشه محل اتکای مردم بوده است، دیگر در بین ما نیست.

■ **دی ماه ۹۵ و دی ماه ۹۸ را می توان از حیث از دست دادن دو چهره ماندگار و تأثیرگذار کشور در ارتباطی معنایی قرار داد، شما اخیرا در گفت و گویی بر مبنای اشاراتی که در روزنوشته های آیت الله هاشمی به دیدارها یا گفت و گوهایشان با شهیدسردار حاج قاسم سلیمانی شده، به رابطه تنگاتنگی که از گذشته دور تا آخرین روزها میان سردار شهید سلیمانی و پدرگرامیتان جریان داشته اشاره کرده اید. با تسلطی که بر متن آن خاطرات دارید و نیز بر اساس مشاهدات عینی که داشته اید، جنس آن رابطه را چگونه تعریف می کنید؟**

جنس ارتباط سردار سلیمانی و آیت الله هاشمی رفسنجانی دو گونه بود: نخست ارتباط قلبی و قبلی این دوشخصیت که از دوران دفاع مقدس شکل گرفته بود و حاج قاسم به دلیل فرماندهی لشکر ۴۱ ثارالله کرمان و به نوعی ممشهری بودن با آیت الله، با ایشان صمیمیت

## معمار تعامل سازنده

اندک شمارند شخصیت هایی در طول تاریخ که علی رغم رسیدن به قدرت، آن هم در کشور بزرگ و با عظمتی همچون ایران، به عنوان یک یک وطن پرست واقعی، تمام توان خود را برای اقتدار و پیشرفت کشور و افزایش همبستگی ملی به کار بندند و خود را وقف مردم و کشور کنند.

آیت الله فقیه هاشمی رفسنجانی بدون تردید یکی از نوادر تاریخ معاصر ایران زمین است که علی رغم همه جهمه های بدخواهانه مخالفان، تا آخرین لحظات عمر پربرتک خود، تلاش بی وقفه برای پیشرفت و توسعه ایران را به عنوان یک هدف ارزشمند دنبال کرد و به عنوان پرچمدار گفتمان اعتدال و صلح، به تکیه گاهی برای خنثیگن کشور با هر گرایش سیاسی و سلیقه ای تبدیل شد. شخصیتی فراچنانچی که در هر مقام و منصبی که قرار گرفت به آن جایگاه اعتبار بخشید و فراتر از جریانات سیاسی همه توان خود را برای جلوگیری از انحراف

انقلاب و اصلاح امور اداره کشور به کار بست و شجاعانه در مقابل تندروی و افراط گرایی ایستاد و البته در این راه، سختی های فراوانی را متحمل شد و به صورت مستمر از سوی تمامیت خواهان و جریان اقتدارگرا مورد تخریب و توهین قرار گرفت و علیرغم ندانستن بسیاری از اسرار و ناگفتنی ها، صبورانه و با سعه صدری کم نظیر، مشکلات را برای اعتدالی نام ایران اسلامی به جان خرید و از جان و آبروی خود برای حفظ نظام، پیشرفت کشور و دفاع از رهبری مایه گذاشت. مشی اعتدالی هاشمی رفسنجانی با تأکید بر بهره مندی از خرد جمعی و ایجاد همگرایی میان همه نخبگان و شخصیت های مؤثر کشور بدون توجه به سلاقی سیاسی آنان که موجب محبوبیت روزافزون آیت الله در میان مردم شده بود، باعث شد جریان دگم اندیش و انحصارطلب نه تنها در زمان حیات ایشان بلکه پس از گذشت حدود چهار سال از رحلت این بزرگمرد نیز همچنان از نام، یاد و منش آیت الله فقیه وحشت داشته باشد و تلاش خود را برای کم رنگ نشان دادن اقدامات صورت گرفته از سوی وی، حتی با جعل و تحریف تاریخ، تلاوم بخشد. باور هاشمی رفسنجانی به میانه روی و تعامل، حتی



سجده خوارزمی/ایران

البتة تنها رحلت آیت الله، در این شرایط مؤثر نیست، بلکه عوامل دیگری نیز دخیل بودند. به طور کلی جریان های افراطی یکدیگر را تقویت می کنند. خلاصه آنکه افراط افراط می آورد. بر این اساس به قدرت رسیدن ترامپ در امریکا و رفتارهای افراطی او علیه ایران یکی از دلایل دیگری بود و برخی احساس کردند که در مقابل ترامپ باید مثل خود او رفتار کرد. در حالی که عقلانیت ایجاد می کند وقتی شما با یک دشمن طرف هستید، هوشمندانه تر رفتار کنی و بهانه دستش ندهی و در زمان مناسب و با روش مناسب پاسخ بدهی تا در این تقابل، آسیبی که می بینی کمترین هزینه و بیشترین اثر را به همراه داشته باشد. نقش آقای هاشمی در این شرایط همین



## حالا خیلی ها از جای خالی آیت الله سخن می گویند، همچنان که از نبود سردار سلیمانی و فقدان تأثیرگذاری مثبت او یاد می کنند. طی چهار سال گذشته در چه مقاطعی بیش از هر زمان خلا حضور آیت الله هاشمی را در مسائل رخ داده حس کرده اید و تبلور این فقدان را در فضای سیاسی چگونه تحلیل می کنید؟

آیت الله هاشمی رفسنجانی، نماد میانه روی، عقلانیت و در نظر گرفتن مصالح انقلاب و مردم بود و شاید امروز بیش از هر زمان دیگری، این نگاه در فضای احساسی و هیجانی جامعه با عملکرد افراطیون دو طرف تضعیف شده است. اینکه ما آرمان ها و اهداف خود را به گونه ای مطرح کنیم که امکان تحقق آن را نداشته باشیم و بعد معیشت عمومی و حداقل های لازم برای زندگی مردم را به خطر بیندازیم، افراط افراط. در مقابل هم اینکه همه خصوصیات ویژگی های ایران اسلامی و انقلاب را نفی کنیم و به دنبال تجدید نظر طلبی و نقی هم چیز باشیم، تفريط است. البته افراط، تفريط می آورد و تفريط، افراط. میانه روی هم با حاکمیت افراط و تفريط تضعیف می شود و در نتیجه هیجانات، عقلانیت به حاشیه می رود.

■ **فکر می کنید به لحاظ ایجادیی مرحوم هاشمی چه نقشی در عرصه سیاسی داشت که از آن به عنوان پشتوانه جریان های اعتدالی و اصلاح طلب یاد می شد؟**

■ پنجشنبه ۱۸ دی ۱۳۹۹  
■ سال بیست و ششم  
■ شماره ۷۵۳۷

هستند که آیت الله هاشمی رفسنجانی را به عنوان مانعی در برابر خود می دیدند و برای اینکه تأثیرگذاری ایشان را کاهش دهند، سعی می کردند با تهمت و دروغ و تخریب، موقعیت و محبوبیت ایشان را کم کنند و در مواقعی نیز به صورت نسبی موفقیت هایی داشتند اما با گذشت زمان، سلامت و مظلومیت ایشان به مردم اثبات شد و دیدیم که درصلاحیت ایشان، تبدیل به موج بزرگی شد که نتیجه انتخابات ریاست جمهوری یازدهم را تغییر داد. همچنان که بالاترین رأی به ایشان در آخرین انتخابات خبرگان رقم خورد. پس از رحلت ایشان نیز جریانات افراطی و تفريطی، با ادامه تخریب ایشان به عنوان سمبل میانه روی و عقلانیت و اعتدال سعی دارند که چهره های میانه رو را تضعیف کنند.

■ **این روزها موضوع سیاست خارجی و برجام دوباره به صورت برجسته در رسانه ها و محافل سیاسی مورد توجه قرار گرفته است و دو قطبی بر سرچگونگی مواجهه با دنیای غرب و امریکا ایجاد شده، فکر می کنید اگر آیت الله هاشمی زنده بودند چه راهکاری یا توصیه ای پیشنهاد می دادند؟**

برجام یک دستاورد بزرگ برای دیپلماسی کشور بود. دستاوردی که با صلح با عراق و پایان جنگ تحمیلی قابل مقایسه است، چرا که برجام کشور را از بند هفتم شورای امنیت و قطعنامه هایی که با اجماع اعضا و حتی رأی مثبت چین و روسیه به دست آمده بود و ایران را در خطر برخورد نظامی شورای امنیت قرار می داد خارج کرد. شاید بتوان گفت برجام تلاش یک دهه جریان صهیونیستی جهت انزوا و حذف ایران از معادلات جهانی را خنثی کرد. به همین دلیل هم ترامپ از آن خارج شد و اسرائیل بشدت با آن مخالف بود. در شرایط فعلی که ترامپ در حال خروج از کاخ سفید است ما باید از هزینه های سنگینی که طی این سال ها در مقاومت علیه یکجانبه گرایی امریکا پرداخت کرده ایم، به بهترین وجه استفاده و حقوق خودمان را تثبیت کنیم. برجام یک بستر مناسب برای این رویکرد و دستیابی به این هدف است. در مقابل جریانی که می خواست در این سال ها ما را وارد کند تا در سناریوی صهیونیستی حرکت کنیم می خواهد سنگر برجام را برای مصون بودن از حملات جریان استکباری از ما بگیرد.

■ **اخیرا آقای سیدمرتضی نبوی روایتی درباره دیدگاه آیت الله هاشمی به مناسبات ایران و امریکا در حوزه سیاست خارجی داشتند، شما در توضیحی اشاره داشتید که چنین مواججهای به این شکل که نبوی مطرح کرده، در خاطرات آیت الله هاشمی مطرح نشده است. به نظراتان این ارجاعات باران دیروز و منتقدان امروز آیت الله چه مبنایی دارد؟**

نگاه آیت الله هاشمی به سیاست خارجی این بود که ما باید به گونه ای عمل کنیم که اهداف و آرمان های خود را بدون وارد شدن آسیب به مردم و انقلاب برآورده کنیم. تفکر ایشان در حوزه سیاست خارجی را شاید بتوان در دکترین «ام القری» توصیف کرد که می گوید صلحمت اسلام و هدف انقلاب اسلامی، در قالب بیعتنشدن و تقویت و حفظ نظامی است. به عنوان امل القری جهان اسلام محقق می شود و از اقداماتی که ایران و انقلاب را به خطر بیندازد باید پرهیز شود. این نگاه تأکید دارد که ما باید در برابر امریکا به عنوان یک قدرت جهانی که اصطکاک های فراوانی با انقلاب اسلامی در ابعاد گوناگون دارد، هوشمندانه عمل کنیم و نگذاریم که تمرکز این غول جهانی، به سوی آسیب زدن به ما هدف گیری شود. بعضی رفتارها با امریکا و تنش زایی، تنها به نفع جریان صهیونیستی است. در حالی که اتفاقا یکی از راه های مقابله می تواند تنش زدایی در سیاست خارجی، ایجاد وحدت در جهان اسلام و به وجود آوردن جبهه نیرومند دیپلماتیک علیه صهیونیسم است و استکبار باشد؛ بدون آسیب دیدن و بدون ان بیشترین هزینه ها را به خود تحمیل کنیم.

در سیاست خارجی مورد نظر وی نیز در مقاطع مختلف پس از انقلاب کاملا مشهود بود و اغراق نیست اگر ایشان را معمار تعامل سازنده یا جامعه جهانی بخصوص کشورهای منطقه و همسایگان در تاریخ جمهوری اسلامی بدانیم. در ایام سالروز درگذشت این شخصیت برجسته کشورمان ذکر این نکته ضروری و البته کاملا محسوس است که فاصله گرفتن تصمیم سازی در ایران از مشی اعتدالی، خردورانه و جامع رنگی آیت الله هاشمی رفسنجانی که بشدت مخالف اداره کشور با یک تفکر و توسط یک جریان فکری بود، مشکلاتی را در کشور ایجاد کرده است و خلا سیاستمداری مؤثر که توان ایستادگی در مقابل تجزو و عوام فریبی را داشته باشد و بتواند پدران دوستداران واقعی ایران و اسلام را در کنار خود جمع کند و امید به اصلاح امور اداره کشور را در دل ها زنده نگهدارد کاملاً احساس می شود. آنچه این روزها باعث افزایش اختلافات داخلی، تقویت نگاه های حزبی، تضعیف بی وقفه جمهوریت نظام، سرخوردگی بدنه کارشناسی و نخبان، رشد چشمگیر رفتارهای پوپولیستی در داخل کشور شده و افزایش تنش با جامعه جهانی را در عرصه سیاست خارجی به

دنبال داشته و منجر به بی اعتمادی و ناراضیاتی های مردم شده است، همه و همه حاکی از آن است که حوزه تصمیم سازی در ایران بیش از گذشته به مشی عقلانی و اعتدالی آیت الله هاشمی رفسنجانی نیاز دارد تا هم در داخل و هم در حوزه بین الملل به سیاست تنش زدایی و تعامل بازرگرد و کشور را از سقوط به دره بحران های جریان ناپذیر حفظ کند. ذکر این نکته ضروری است که تاریخ سازانی که خود را وقف مردم و سرزمین ایران زمین کرده اند برای همیشه در قلوب مردم جای خواهند داشت و برخی بدخلاقی های مبتنی بر تمامیت خواهی و انحصارطلبی نمی تواند برای همیشه واقعیت ها را کتمان و حقایق را پنهان کند. به همین دلیل علیرغم تلاش های نافرجام برخی بدخواهان در تحریف و جعل تاریخ برای حذف آیت الله هاشمی رفسنجانی و نادیده انگاشتن نقش مؤثر وی در مبارزات، پیروزی و تثبیت انقلاب، فرماندهی دفاع مقدس و دوران سازندگی و اقدامات کم نظیر ایشان در منصب مسئولان ما هاشمی رفسنجانی در تکتک صفحات تاریخ نظام جمهوری اسلامی و در قلب هواداران پرشمار وی جاودانه خواهد ماند.

## آرمانگرایی در چارچوب عملگرایی



غلامعلی رجبی  
مشاور سابق  
آیت الله هاشمی  
رفسنجانی

یادداشت

آیت الله هاشمی رفسنجانی به لحاظ مشی و شیوه سیاست ورزی دارای خصیصه ای بود که از کمتر سیاستمداری در دوران معاصر و خصوصا پس از

انقلاب دیده شده است. همین شیوه متمایز هم جایگاهی ویژه و متفاوت به او بخشیده بود. وی از معدود سیاستمدارانی بود که موفق شده بود تلفیقی کارآمد و اثربخش از «آرمان گرایی» و «عملگرایی» را به طور همزمان پیاده کند. این ویژگی البته نه فقط در دوران مسئولیت های پس از انقلاب، بلکه از همان گام های نخست ایشان در دوران نهضت مبارزاتی علیه رژیم پهلوی قابل مشاهده و رصد است و می توان نشانه های متعددی در خصوص آن یافت. به عبارت خلاصه و دقیق تر، آیت الله هاشمی رفسنجانی از معدود سیاستمدارانی بود که به دنبال پیگیری آرمانگرایی در چارچوب عملگرایی سیاسی بود و مهمتر اینکه توانست در دو مقطع قبل و پس از انقلاب، چه در مقام یک مبارز و چه در مقام یک مسئول عالی رتبه و یکی از رهبران سیاسی نظام این مهم را عملیاتی کند. بر همین مبنا همان طور که کارنامه وی را باید در لحاظ این خصیصه تقریباً منحصر به فرد ایشان بررسی کرد، برای بررسی آثار فقدان ایشان هم باید همین مهم را در نظر داشت.

آیت الله هاشمی به اعتبار همین ویژگی، ستون اصلی ایستادن در مقابل افراط و تفريط در عمل سیاسی بود. هیچ تردیدی در این نیست که پس از ایشان این موقعیت به شکل مشهودی خالی مانده و عنصری متناسب با این جایگاه و کارکرد توانسته آن نقش را بر عهده بگیرد. این مهم از آنجا اهمیت دوجانبی پیدا می کند که شاهد هشتیم نوعی دوقطبی رو به تشدید که یک طرف بر آرمان گرایی صرف و دیگری بر عملگرایی محض تأکید دارند، در حال سطره بر فضای سیاسی و اجتماعی کشور هستند و در این میان هیچ نیروی تعادل بخشی مؤثری هنوز ابراز وجود نکرده است.

چهار سال فقدان آیت الله هاشمی حداقل در ابعاد اجتماعی بر فرآیند پیگیری عملگرایانه آرمان ها تأثیر منفی خود را گذاشته است. گستره این تأثیر اگر در سطوح سیاسی تعمیق شود، آنگاه می توان از آسیبی بزرگ و حتی خطر آفرین یاد کرد. مسائل داخلی و خارجی کشور ما، از اقتصاد مردم و فرهنگ عمومی گرفته تا روابط منطقه ای و بین المللی ما در شرایط فعلی آنچنان متأثر از فضای دو قطبی تنش میان آرمانگرایان و عملگرایی محض شده و این دو تفکر با چنان سرعتی مشغول توزیع گفتمان خویش در سطوح مختلف جامعه هستند که باید از آن به عنوان یک تهدید یاد کرد. در فضای میانه این دو گفتمان و گرایش سیاسی آماده چند طیف وسیع و وزنی از نیروهای اجتماعی و سیاسی حضور دارند اما نمی توان منکر کاهش وافت اثر آنها در تحولات و معادلات شد. امروز فقدان آیت الله هاشمی رفسنجانی و مهمتر از آن خلا به وجود آمده بابت این فقدان در فضای یاد شده واقعیتهی است که نیروهای متمایل به سیاست ورزی اعتدالی باید آن را به رسمیت بشناسند. مهمتر اما به بحث گذاشتن این سؤال است که برای عبور از این خلا چه باید کرد؟

بواقع باید گفت حفظ میراث عقل گرایی سیاسی که در پی دهه های متضادی از تحولات و اثرگذاری نیروهایی چون آیت الله هاشمی رفسنجانی حاصل شد، در شرایط کنونی بسته به بحث بر سر همین پرسش و یافتن پاسخ مقتضی برای آن است.

بی شک در فضای امروز ایران کم نیستند سیاستمداران و شخصیت هایی که هم مفهوم آرمان گرایی در چارچوب عمل گرایی را درک می کنند و هم به پیگیری عملیاتی و اجرای آن ایمان دارند. مهم این است که این چهره ها چگونه از جزایری نسبتاً منفرد تبدیل به یک نیروی متشکل سیاسی شوند. این کاری بود که آیت الله هاشمی رفسنجانی با وجه کاربزماتیک شخصیت خود و سابقه و اعتباری که داشت بخوبی انجام می داد. امروز هم اردوگاه اعتدالگرایی سیاسی سخت نیازمند این است که رهبری سازمان دهنده و متشکل کننده در بین خود پیدا کند. رهبری که اگر دیگر نمی تواند در یک فرد متبلور شود، باید به فکر تبلور آن در یک ساختار بود.

بدون چنین پیش بینی و ابتکار عملی می توان گفت که بخش زیادی از میراث و دستاوردهای سیاستمداران محاسبه گر و عقل گرایی ایرانی و از جمله آیت الله هاشمی رفسنجانی به عنوان یکی از بزرگ ترین آنها در تاریخ معاصر کشور، در فضای کشاکش دوقطبی های کنونی در خطر از دست رفتن قرار خواهد گرفت. با این توصیف نه فقط برای برخی توقیقات جانچی، بلکه برای نیل به منافع عمومی تر و درازمدت تر ایرانیان، تلاش برای عبور از شرایط خلا حضور آیت الله هاشمی رفسنجانی و چاره جویی برای پر کردن آن یک ضرورت اجتناب ناپذیر است.

یادداشت



محمد سالاری  
رئیس شورای  
مرکزی حزب  
همبستگی